

می‌داند که اولاً بخش قابل توجهی از جامعه آن را ناخوشایند بدانند؛ ثانیاً معتقد باشند برای حل آن باید کاری کرد و ثالثاً بر این باور باشند که فرد یا سازمان یا افرادی مسئول برطرف کردن و حل مشکل اجتماعی هستند.

کشاوری با اشاره به این دیدگاه نظری و در همین ارتباط تحلیل مضامین محتوای منتشر شده در شبکه ایکس را تحلیل می‌کند: «این مسئله حاکی از آن است که پرچم‌ترین محور، «مسئول یا مقصدانستن دولت و حاکمیت در افزایش ورود و حضور اتباع افغانستانی» است و اتفاقاً دومین محور پرتکرار، «مطالبه اخراج مهاجران و ارائه راه حل‌های مختلف پیرامون مدیریت این شرایط» است. همزیستی مهاجرین افغانستانی در کنار جامعه ایرانی موضوعی است که سابقه بسیار طولانی داشته تا آنجا که برخی از تعابیری همچون ایرانی افغانستانی استفاده کرده و آن‌ها را به عنوان یک قوم بزرگ در متن و بطن جامعه ایرانی پذیرفته‌اند، اما تغییرات چشمگیر و فزاینده در الگو و میانگین ورود آن‌ها به ایران و سهم قابل تامل آن‌ها در ظرف جمعیتی کشور نکته‌ای است که علاوه بر شاخص‌های مذکور موجبات ظاهر شدن آن در قامت یک مسئله اجتماعی را فراهم می‌کند. شایان ذکر است که تنوع مضامین محتوایی در بیان مطالبات و نارضایتی‌های حول میزبانی از افغانستانی‌ها از جمله ناامنی، تحدید فرصت‌های شغلی، چالش‌های فرهنگی، کمبود منابع معیشتی و رفاهی، از جمله شواهدی است که زمینه‌های اجتماعی و عمومی مطالبه مدیریت حضور افغانستانی‌ها در ایران توسط حاکمیت را یادآور می‌شود.»

همزیستی
مهاجرین
افغانستانی در
کنار جامعه ایرانی
موضوعی است
که سابقه بسیار
طولانی داشته تا
آنجا که برخی از
تعابیری همچون
ایرانی افغانستانی
استفاده کرده و
آن‌ها را به عنوان
یک قوم بزرگ در
متن و بطن جامعه
ایرانی پذیرفته‌اند

